

نقش اشتغال زنان در توسعه جامعه با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی (س)

فهیمة ملک‌زاده^۱

چکیده: بدیهی است مهم‌ترین عامل سرعت رشد و توسعه اقتصادی جامعه منابع انسانی آن جامعه است و هر جامعه نیز متشکل از زنان و مردان فعال است که تحت روابط متقابل اجتماعی تأثیر مستقیمی در اقتصاد و توسعه آن جامعه دارند. لذا استراتژی‌های یک جامعه توسعه یافته لازم است بر مبنای مشارکت هر چه بیشتر و فعال‌تر زنان، که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی گردد.

لذا توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنها به بازار کار می‌تواند زمینه بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی بالقوه و فعل آوردن این قشر از جامعه باشد. به همین دلیل، مجموعه عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت هر چه بیشتر این جمعیت توانمند در عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی کشور باشد از اولویت بیشتری برخوردار است.

مقاله حاضر که به روش تحلیلی - توصیفی و کتابخانه‌ای انجام خواهد گرفت، در پی شناخت عوامل مؤثر و موانع اشتغال زنان و تعیین نقش این قشر در توسعه جامعه و سهم ایشان در نیروی کار شاغل می‌باشد. همچنین جایگاه زن و نقش او در ابعاد مختلف اندیشه دینی و سیستم حقوقی موجود با الگوگرفتن از سخنان و دیدگاه‌های امام خمینی به مناسبت‌های مختلف در خصوص مشارکت اجتماعی زنان مورد توجه نگارنده قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: زنان، اشتغال، اقتصاد، توسعه، جنسیت، مالکیت

۱. دکترای حقوق خصوصی و دکترای حقوق خانواده، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال، تهران، ایران.
E-mail: malek900@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۳۰

پژوهشنامه متین / سال هجدهم / شماره هفتاد و دو / پاییز ۱۳۹۵ / صص ۱۷۳-۱۴۹

مقدمه

رشد اقتصادی نیازمند استفاده حداکثری و بهینه از منابع تولید است و یکی از منابع با اهمیت و مهم در اقتصاد نیروی انسانی است. نیروی انسانی نقشی دوگانه در برنامه ریزی‌های اقتصادی ایفا می‌کند؛ زیرا از یک سو، به عنوان عامل توسعه و از سوی دیگر به عنوان هدف توسعه مطرح است. ویژگی بارز اقتصاد امروز، تغییرات سریع است. لذا کشورهایی می‌توانند در چنین اقتصادی موفق باشند که قابلیت تطبیق با این تغییرات را داشته باشند. کشورهایی که در آنها، میزان فعالیت‌های جمعیت فعال زیاد است، قادرند تا در اقتصاد جهان موقعیت بهتری کسب کنند. تحقیقات انجام شده نشان داده که رشد اقتصادی با فعالیت‌های جمعیت فعال اعم از زن و مرد ارتباط مستقیم دارد.

پیش از ظهور سرمایه‌داری صنعتی، خانواده یا خانوار مکان تولید بود. والدین با فرزندان خویشاوندان گوناگون خود همگی با هم کار می‌کردند تا نسل خویش و همچنین نسل پس از خویش را تداوم بخشند. و کاری که زنان می‌کردند اعم از پخت و پز، کنسرو کردن، کشت گیاهان، ذخیره سازی، زایش و پرورش کودکان به اندازه کار مردان در فعالیت اقتصادی خانواده گسترده اهمیت داشت. اما با صنعتی شدن و انتقال تولید کالا از قلمرو خصوصی خانوار به قلمرو عمومی، در مقایسه با مردان مزد بر که «مولد» به حساب می‌آمدند زنان را که اغلب در ابتدا به قلمرو عمومی کار وارد نشدند «غیرمولد» تلقی کردند.

چنان که مارگارت بنستون می‌اندیشد زنان در اصل تولیدکننده‌اند و مصرف کنندگی خصلت ثانوی آنان است. از دید بنستون زنان در واقع یک طبقه را تشکیل می‌دهند؛ یعنی همان طبقه‌ای از مردم که «مسئولیت تولید ارزش مصرف ساده را در فعالیت‌هایی که به خانه و خانواده مربوط می‌شود بر عهده دارند» (تانگ ۱۳۸۷: ۹۳-۹۵).

در این نوشتار، ضمن انجام یک تحلیل اقتصادی مختصر در زمینه توسعه، به چگونگی رابطه میان موقعیت زنان با توسعه یافتگی و تأثیرگذاری مشارکت آنان به عنوان نیمی از نیروی فعال جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، برای تحقق توسعه و عدالت اجتماعی پردازد. با توجه به اینکه نیمی از کل جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند و دو سوم ساعات کار انجام شده توسط زنان صورت می‌پذیرد، تنها یک دهم درآمد جهان و فقط یک صدم مالکیت اموال و دارایی‌های جهان به زنان اختصاص یافته است. بنابراین وجود نابرابری برای زنان در تمامی جوامع کم و بیش وجود

دارد که در برخی از سازمان‌های جهانی در چند سال اخیر به این مسئله بیشتر توجه شده و در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان اقتصادی و اجتماعی سازمان‌های مختلف جهانی قرار گرفته است. در این راستا نگرش امام خمینی به مسئله زن، برخاسته از آموزه‌های دینی است. امام با الهام از وحی، سیره نبوی و دستاوردهای فقهی، به مسئله زن نگاهی متفاوت دارد. ایشان با تطبیق روش برخورد رژیم پهلوی به آموزه‌های دینی، شخصیت زن را از دست رفته می‌بیند؛ و از این رو، رژیم پهلوی را با جاهلیت پیش از اسلام مقایسه می‌کند. با توجه به اینکه امام مجتهدی زمان شناس بود و موضوعات اجتهادی خود را از جامعه می‌گرفت، سپس برای استنباط به سراغ ادله می‌رفت؛ از این رو با آگاهی از جوانب یک موضوع به استنباط می‌پرداخت. امام خمینی مقتضیات زمان را در نظر داشت و برای اظهار نظر درباره زن، هرگز او را به خانه محدود نکرد، بلکه با روشن بینی تمام در مورد حقوق زن در اسلام، فعالیت‌های او در اجتماع را مجاز شمرد. و به‌طور مکرر و بنا به مناسبت‌ها این مسئله را متذکر می‌شدند چنانچه در جایی می‌فرمایند:

«اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۷) و نیز «اگر زنهای انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۰۰) در مناسبتی دیگر این عالم عالیقدر زن را مربی جامعه خوانده و می‌فرماید: «... زن انسان است. آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۳۹).

اشتغال زنان

درباره اشتغال زنان، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای به اشتغال زن در همه حوزه‌ها و برخی به عدم اشتغال، و دسته سوم به اشتغال مشروط معتقدند. منظور از اشتغال مشروط، شغل‌هایی است که زنان توانایی انجام آن را دارند. امام خمینی فعالیت اقتصادی زنان را مجاز می‌شمارد. از مجموع کلام ایشان درمی‌یابیم که آنان آزادند در همه مشاغل کارکنند، در صورتی که با فطرت و طبیعت‌شان در تضاد نباشد؛ زیرا انحراف از فطرت، انسان را از رسیدن به کمالات معنوی باز

می‌دارد و زنان را از وظیفه اصلی خود که تربیت فرزندان است، دور می‌سازد. در این باره بعضی مضامین چنین است.

در این راستا با بررسی دیدگاه امام می‌بینیم که امام در پیام‌های خود هیچ‌گاه این قشر را کنار نزدند، بلکه با درایت خاص خویش، به نقش آنان در پیشبرد نهضت تأکید کردند و حتی شرکت آنان را واجب شمرده، و موافقت پدر یا شوهر را لازم ندانستند. توجه به این پتانسیل بزرگ، به روند نهضت سرعت بخشید. همچنین امام در فرازهایی از سخنان خود، زنان را به سازندگی کشور، همدوش مردان دعوت می‌کند و می‌فرماید: «امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۷۵).

خصوصیات توسعه

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (آکسفورد ۲۰۰۱). به طور کلی توسعه اقتصادی عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحول کیفی. به عبارت بهتر، توسعه اقتصادی را می‌توان ارتقای فراگیر و همه‌جانبه سطح زندگی و رفاه جامعه دانست. توسعه در یک نگرش ساده و در تمامی جوامع به وضعیتی اطلاق می‌شود که حداقل سه شرط را محقق گرداند. نخستین هدف امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم‌بخش حیات انسان مانند غذا، مسکن و پوشاک است. در این راستا نه فقط افزایش کمیت این کالاها مدنظر است، بلکه توزیع گسترده‌تر و افزون‌تر بین آحاد جامعه نیز باید تأمین شود. دومین هدف، افزایش سطح و استانداردهای زندگی و بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب مادی است. درآمدهای بالاتر، نه تنها درصد اشتغال بالاتر، بهداشت و درمان مطلوب‌تر، آموزش باکیفیت‌تر، تأمین امنیت بیشتر و توجه بیشتر به ارزش‌های فرهنگی و انسانی را که به پیشرفت زندگی مادی کمک می‌کند، بلکه احترام و عزت نفس بیشتر را هم در سطح فردی و هم در سطح ملی القا می‌کند. سومین هدف که غایتی کاملاً کیفی است، عبارت است از گسترش دامنه‌گزینه‌ها و انتخاب‌های افراد و ملل در زندگی، ارتقای حقوق مدنی افراد، آزادی‌اندیشه‌ها، برابری در مقابل قانون و رفع تبعیض‌ها، رهایی از هر نوع قید و بندهای وابستگی و بردگی و مواردی از این قبیل. آنچه مسلم است فرآیند توسعه، می‌بایست با توجه به شرایط و مقتضیات اقلیمی، محیطی، انسانی و

نهادی هر کشور طراحی شود، تا ضمن ایجاد پیشرفت‌های اقتصادی، حس اعتماد به نفس در کشور را ارتقا بخشد.

شاخص‌های توسعه انسانی (HDI)

توسعه اقتصادی آرمانی است ملی و مردمی برای تمامی کشورها، توسعه بعد از جنگ جهانی دوم به صورت یک دانش مستقل مطرح شد و به مرور زمان مفهوم آن تکامل یافته است. آنچه مشخص است توسعه پدیده‌ای چند رشته‌ای است و دستاورد انسان محسوب می‌شود که با تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی، گرایش‌های عمومی، نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و از بین بردن فقر همراه است.

توسعه از مفاهیمی است که صاحب نظران تعاریف بسیار گوناگونی از آن ارائه کرده‌اند. برخی توسعه را رشد اقتصادی در طول زمان با شرط بدتر نشدن شاخص‌های فقر و توزیع درآمد نامیده‌اند و برخی توسعه را انسان محور دانسته‌اند بدین معنی که توسعه با مردم، آموزش و پرورش، سازماندهی و انضباط معنی پیدا می‌کند و به جای رشد اقتصادی سرمایه انسانی و رفتارهای اجتماعی انسان اهمیت دارد. توسعه را می‌توان درختی دانست که ریشه آن، فرهنگ مناسب و غذای آن را آموزش مناسب و سرمایه تخصص یافته به فعالیت‌های توسعه‌ای تشکیل می‌دهد، تنه و شاخ و برگ درخت نظام مناسب اقتصادی و میوه شیرین آن برطرف شدن فقر و محرومیت، حفظ استقلال و خودکفایی و تأمین اقتصادی - اجتماعی مردم است. به صورت کلی توسعه، رشد اقتصادی همراه با تحولات و تغییرات کیفی است.

متناسب با تعاریف بسیار متعدد و متنوعی که از مفهوم توسعه ارائه شده، شاخص‌هایی برای آن تعریف شده است و همراه با تحول در نحوه نگرش به توسعه و مسائل توسعه نیافتگی در طی زمان، نمودها و شاخص‌های توسعه روندی تکاملی طی کرده‌اند و بر پیچیدگی آنها افزوده شده است.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ترکیبی جهت سنجش میزان توسعه تحقق یافته در یک کشور استفاده از شاخص‌های توسعه انسانی است. این شاخص در پی اندازه‌گیری سه ظرفیت اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای زندگی بهتر و برخورداری از عمر طولانی‌تر همراه با سلامت بیشتر است. شاخص توسعه انسانی یا HDI به جدولی تناسبی اطلاق می‌شود که در آن کشورهای جهان براساس فاکتورهای امید به زندگی، تولید ناخالص داخلی سرانه و شاخص

سطح تحصیلات مورد مقایسه قرار می‌گیرند. امید به زندگی بیانگر متوسط طول عمر افراد یک جامعه است. تولید ناخالص داخلی برجسته‌ترین متغیر نشان‌دهنده وضعیت کلان یک کشور و دربرگیرنده ارزش کلیه کالاها و خدمات نهایی تولید و ارزش‌گذاری شده در طی یک سال مالی است و منظور از سطح تحصیلات در این شاخص نرخ باسوادی بزرگسالان و نسبت ثبت‌نام ناخالص مرکب است. این شاخص از سال ۱۹۹۱ میلادی از طرف برنامه توسعه سازمان ملل متحد به وجود آمد و از آن پس هر سال فهرستی از کشورهای جهان را به ترتیب از بالاترین تا پایین‌ترین رتبه‌ها منتشر می‌کند و در حقیقت از منابع اصلی نشان‌دهنده سطح توسعه اقتصادی در کشورهاست. سازمان ملل کشورها را از بعد HDI به سه گروه تقسیم می‌کند، کشورهایی که HDI آنها بیشتر از ۰/۸۰ است جزو کشورهای با توسعه انسانی بالا، کشورهایی که HDI آنها بین ۰/۵۰ و ۰/۸۰ است کشورهایی با توسعه انسانی متوسط و کشورهایی که HDI آنها کمتر از ۰/۵۰ است کشورهایی با توسعه انسانی پایین طبقه‌بندی شده است.

لازم به ذکر است شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۰۷ برای ایران ۰/۷۵۹ برآورد شده است که از میانگین وزنی امید به زندگی از بدو تولد با میانگین ۷۰/۲ سال، نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در پایه ابتدایی، متوسطه و دانشگاه با میانگین ۷۲/۸ نرخ باسوادی بزرگسالان (افراد بالای ۱۵ سال) با میانگین ۸۲/۴ و تولید ناخالص داخلی سرانه ۷۹۶۸ دلار آمریکا به دست آمده است (صادقین و جهانشاهی ۱۳۸۶: ۸).

اشتغال در عرف اجتماعی امروز (سطح خرد)

تعریفی که امروز از اشتغال زنان ارائه شده و موضوع مطالعه و بررسی و ارائه راه حل قرار گرفته، اگر نتوان گفت که کاملاً ولی به جرأت می‌توان گفت قریب به اتفاق فعالیت‌ها در جهت تأیید تعریف در سطح اول، یعنی تأمین زندگی خصوصی و پرداختن به موضوع در سطح خرد می‌باشد. با بزرگ نمودن موضوعات شخصی و ناهنجاری‌های ناشی از آن، رفتارهای فردی محور تحقیق و بررسی در موضوعات مربوط به زنان، به‌ویژه وضعیت شغلی آنان است و تقریباً هرگز از سهم بودن زنان (آن هم زنان انقلابی ایران) در تکامل و تغییر جهت توسعه جهانی سخنی به میان نمی‌آید.

بررسی در سطح خرد و تعریف اقتصادی از اشتغال، تبلیغ و اشاعه این مطلب است که زنان باید بتوانند با دارا بودن شغل خارج از منزل به استقلال اقتصادی دست یابند، تا به شوهر وابسته نباشند یا در اجتماع حضور داشته باشند.

در این شکل که به تکامل تاریخی و ریشه ناهنجاری‌های اجتماعی توجه نمی‌شود و خود محوری اصل قرار می‌گیرد، به طور طبیعی فریفته‌گری فردی و تبرج برای فریفتن دیگران هدف می‌شود و آنگاه معنی اصلی هنر زن بودن در تجمل و تفاخر قابل مشاهده است. نمونه بارز و عینی این نگرش را می‌توان در ترویج و تبلیغ آموزش‌هایی در موضوعات آرایش و زیبایی، سفره آرای، پخت و پز تجملی، کلاس‌های هنرهای دستی تزیینی، که موجب تفاخر و توجه به دنیا برای دنیا می‌شود، مشاهده نمود. فریفته‌گری در چشایی، و بینایی به عنوان نمونه هنر عینی زن بودن تلقی می‌شود و اشتغال، اگر هم بخواهد گسترده‌تر از معنای دارا بودن شغل رسمی تلقی شود، این قبیل آموزش‌ها و مشغولیات را شامل می‌شود.

حاصل چنین نگرشی، تحقیر کرامت زن و تضعیف توانایی‌های روحی و ذهنی اوست. تنزل جایگاه زنان به سطح خرد و فردی و پافشاری بر احقاق حقوق خرد به جای تنظیم برنامه حضور زنان در انقلاب‌ها و در نظام موازنه عدالت اجتماعی، باعث بروز ناهنجاری‌هایی خواهد بود که معلول نظام توزیع قدرت، توزیع اطلاع و توزیع ثروت است و موجب انحراف از مسائل اصولی می‌شود که زنان باید به آن بیندیشند و در آن جهت حرکت نمایند. از جمله مسائل اصولی، تفکر و اندیشه در زیر بنای تعاریف عمومی و پیشنهاد در تغییر و تحلیل معیارهای پذیرفته شده در سطح جهان است.

اشتغال به معنای سهمیم بودن در نظام موازنه اجتماعی

سهمیم بودن در ایجاد نظام موازنه اجتماعی، که یک درجه از پرداختن به موضوعات شخصی بالاتر است، با تشکیل گروه‌ها و انجمن‌ها و تلاش در فعالیتهای گروهی و ایجاد عدالت برای قشر زنان صورت می‌گیرد که آن هم با نگرش توسعه‌ای فاصله دارد.

موازنه اجتماعی از طریق سهمیم بودن در تخصیص‌های کلان و مسئولیت‌پذیری زن نسبت به ارتقاء راندمان عوامل اجتماعی در گسترش عدالت سیاسی، عدالت فرهنگی و عدالت اقتصادی ایجاد می‌شود. اگر چه این کار به وسیله تشکلهای اجتماعی و سازمانی صورت می‌گیرد، ولی

علت به وجود آمدن تشکل‌ها و سازمان‌ها ایجاد انگیزه و حساسیت نسبت به مسائل کلان جهانی و شناخت ریشهٔ ستم‌گری و ستم‌کشی و مقابله با آن است و این امر نهایتاً برای موضع‌گیری در ایجاد عدالت سیاسی و بالا بردن حضور در تصمیم‌گیری است.

به عبارت دیگر، نه تنها حساسیت زنان باید نسبت به عدل و ظلم در ابعاد سه‌گانهٔ سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهت داده شود، که خود به عنوان مسئول گسترش ایشار (در سیاست)، مسئول گسترش هنر (در فرهنگ) و مسئول گسترش زهد اجتماعی و نه زهد فردی (در اقتصاد) در جامعه باید شناخته شوند.

در شکل سوم، شاغل بودن به معنای رها کردن زنان از افکار خرد و خود محورانه به افکار بلند و خداگرایانه تعریف می‌شود. با تعریف تکامل‌گرا، زنان بسیاری که در جامعه فعال هستند، با خدماتی که ارائه می‌دهند، در توسعه سهم شده و جزء شاغلین محسوب می‌شوند.

توسعه در صورتی حاصل می‌شود که از همهٔ نیروی بالقوهٔ جامعه اعم از زن و مرد استفاده شود. بنابراین اگر در جامعه، توسعه اصل و محور قرار گرفت، حداقل نیمی از مدیریت آن به دست زنان، که مجری پرورش محبت در جامعه هستند خواهد بود. به عبارت دیگر، استراتژی این جامعه به گونه‌ای می‌شود که کرامت انسان بالا رود و به جای استکبار، ایثار و در جای ظلم، محبت به وجود آید. عوامل اجتماعی که می‌تواند محبت را ایجاد کرده و توسعه دهد، زنان هستند. لذا از این طریق زنان حضور مستقیم در تکامل و توسعه خواهند داشت.

امام خمینی در مورد سهم زنان در توسعه و مشارکت در سازندگی جامعه بر این باورند که اسلام زن را نجات بخشید. و به او شخصیت داده است؛ زیرا اسلام خواهان رشد زن و مرد است و به کمال رسیدن انسان مطلوب و مقصود این آیین الهی است؛ از این رو باید زن در سرنوشت خویش دخالت کند، چرا که او مظهر تحقق آمال بشر است، زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است و وقتی اسلام چنین خواسته و چنین خاستگاهی داشته باشد، این کلام «که از دامن زن، مرد به معراج می‌رود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۷، ج ۷: ۳۴۱) تجلی پیدا می‌کند.

بنابر نظر امام، در اسلام، زن‌ها در مقابل مردان قرار ندارند، نسبت مساوی با آنها دارند و از این رو حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن را برای آنان همپای مردان روا می‌داند و مواردی را که در زن یا مرد مفسده ایجاد می‌کند، حکم حرام بر هر دو صادر

می‌نماید؛ زیرا تفاوت‌های بین زن و مرد را به حیثیت انسانی آنان مرتبط نمی‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۱۸۹).

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، نقش زنان را در بنای جامعه اسلامی حساس و سازنده می‌داند و دلیل آن را ارتقای زن از جانب اسلام برای دستیابی به مقام خود در جامعه و خارج شدن از حالت شیء بودن او، ذکر می‌کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۲۹۴، ج ۴: ۴۱۴).

معمار انقلاب، برای زنان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی نقشی سازنده در نظر گرفت و حتی بنا بر اعتقاد او زنان در کنار مردان، بلکه جلوتر از آنان در نهضت حرکت کرده و ایفای نقش نموده‌اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۰۸).

او تعلیم و تعلم را حق زنان می‌داند همان طور که در اسلام حتی این امر بر مرد و زن واجب شده است.

زن از دیدگاه امام در فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی، در ادب و علم و هنر باید سهیم باشد و حتی فعالیت در این امور را موجب عنایت حق - تعالی - به آنان می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۹۳؛ ج ۱۹: ۱۸۴).

امام با اشاره مکرر به فعالیت‌های زنان در صدر اسلام در دفاع و حمایت از جبهه‌های جنگ، اهمیت عملکرد زنان را در دفاع و پشتیبانی از جبهه‌ها یادآور شده و همواره روحیه شهادت طلبی آنها را مورد تکریم قرار داده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۰۰).

معمار انقلاب، هرگز از جنبه‌های فرهنگی غافل نبوده و در طی سالیان طولانی مبارزه و رهبری خود، جنایات و نقشه‌های استعمار و رژیم پهلوی درباره زنان را یادآور شده و زنان را از خودباختگی و غربگرایی برحذر داشته است (ر. ک: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۹۳-۱۹۱).

جایگاه مطلوب برای اشتغال زنان

برای اینکه زنان بتوانند در تغییر تعریف هنر و زیبایی‌شناسی در جهت الهی نقش محوری داشته باشند، باید ابتدا سازمانی تأسیس کنند که زنان در آن سازمان با حفظ خصوصیات زنانگی، خود را مسئول گسترش عواطف جامعه بدانند. عواطفی که حساسیت آن روی ایثار است یا حساسیت‌های که منجر به فهم شیوه‌هایی برای رشد هنر خاصی است و هنری که در توسعه اندیشه نقش دارد و نهایتاً سازمانی که بتواند موضعگیری زن‌ها را تغییر دهد (مکنون ۱۳۸۱: ۷۲).

لازم به ذکر است محرومیت‌های مختلف زنان در گذشته منجر به غیبت آنان از صحنه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شد و در نتیجه آنان را دچار رکود فکری نمود. این رکود موجب ضعف تخصص و توانایی‌های لازم گردید. بنابراین طبیعی است، زنی که به لحاظ عدم تخصص، تحصیلات و آموزش‌های لازم، از توان انجام مسئولیت‌های اساسی‌اش باز ماند، حتی امکان بروز صحیح غرائز طبیعی خود را هم نخواهد داشت، چه رسد به اینکه در جامعه بخواهد اعتلا و رشد یابد. البته این مسأله اگر به همین جا ختم می‌گردید، شاید قابل تحمل می‌نمود ولی زنان پرورش دهنده زنان و مردان آینده می‌باشند و از این رو توسعه و اعتلای فکری و فرهنگی آنان در یک جامعه، پیش از آنکه مربوط به طبقه‌ای تحت عنوان زن باشد، مربوط به نسل آینده‌ای است که فردا مناصب جامعه را در دست خواهد داشت؛ لذا زنی که تا دیروز از دستیابی به تخصص، تحصیلات و توانایی‌های لازم به دلایل مختلف فرهنگی و اجتماعی محروم گردیده است و امروز به خاطر عدم توانایی‌های لازم علمی، مدیریتی، داوری مثبتی درباره او نمی‌شود، چیزی جز ظهور و بروز تجلیات جسمی و ظواهر دلفریب برای او باقی نخواهد ماند و بیشترین تجربه‌ای که اندوخته همین است و بس؛ و بهترین کالایی که در نظر او در تمامی دوران گذشته مورد توجه باقی مانده است، جلوه‌گری خواهد بود.

امام در تبیین شخصیت و منزلت زن با باورهای ناشی از هر سه منشأ مبارزه نمود امام در مورد شخصیت و جایگاه زن می‌فرمایند: «زن مظهر تحقق آمال بشر است زن پرورش‌دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود، دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است...» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۴۱).

امام به مقتضای شناخت همه جانبه و عمیقی که از آموزه‌های دینی دارند به شرحی که در مقدمه گذشت رسالت خود و انقلاب اسلامی را دستیابی زنان، به مقام والای انسانی می‌دانند، به گونه‌ای که بتواند در سرنوشت خود دخالت کند: «ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد. خودش باشد نه ملعبه باشد... زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۰۰). یکی دیگر از صحنه‌های مشارکت فراگیر، مسأله سازندگی همه جانبه کشور و جامعه است که هیچ کس نباید و نمی‌تواند تردید کند که بدون حضور فعال بانوان جامعه اسلامی، بتوان در این مهم توفیق کامل به دست آورد. در این خصوص نیز امام، تأکیدهای زیادی دارند: «همه ملت ایران

- چه بانوان و چه مردان - باید این خرابه‌ای که برای ما گذاشته‌اند، بسازند. با دست مرد تنها درست نمی‌شود؛ مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۰۱).

«زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته؛ چنانکه به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته‌اند. و شما شهر و روستایی را نمی‌بایید جز آنکه در آنها جمعیت‌هایی فرهنگی و علمی از زن‌های متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به وجود آمده است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۷۵). حضرت امام اساساً معنای آزادی صحیح بانوان را نیز همین می‌شمارند که آنان بتوانند با حفظ شئون دینی و انسانی خود، در سازندگی کشور نقش ایفا کنند: «امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان، نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می‌شد، که آزادی آنان در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۷۵).

از سوی دیگر، اندیشه اسلامی در نظام آفرینش، به زن و مرد از دیدگاهی واحد می‌نگرد. هر دو را یک‌جا به سازندگی و حرکت دادن تمدن اسلامی در عرصه حیات انسان‌ها، فرا می‌خواند. مسئولیت انحراف از مسیر، یا پایداری در راه عقیده را به طور یکسان به دوش هر دو می‌گذارد و بر اساس تکامل، نقش‌ها و مسئولیت‌ها را بین آن دو تقسیم می‌کند (موحدی ۱۳۸۰: ۱۷-۱۱).

از طرف دیگر زن به عنوان عضو مؤثر جامعه، می‌تواند نقش پیشگام خود را که در برخی از مسئولیت‌ها متبلور است، ایفا نماید. از جمله این مسئولیت‌ها، ترویج مفهوم مشارکت و اشتغال در زندگی و زمینه‌سازی مناسب برای فعالیت آزادانه و شناساندن حق مدیریت اقتصادی، مالکیت و حضور خود به جامعه است. با توجه به این نکته که مفهوم مشارکت زنان، الزاماً مساوی با اشتغال زنان نیست، قطعاً بخشی از مشارکت زنان در بحث اشتغال آنان تبلور می‌یابد.

در این راستا، اداره خانواده از سوی زنان و نقش آنها در تغذیه و رشد فرزندان و همچنین تعلیم و تربیت آنان در کنار نقش همسری، فعالیت‌های والایی در جهت اهداف بزرگ اجتماعی محسوب شده، مطابق با طبیعت زندگی است. ویل دورانت به درستی این مطلب را بیان می‌دارد که در اجتماعات ابتدایی، قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است، نه به دست مردان. در آن هنگام که قرن‌های متوالی، مردان دائماً به شکار اشتغال داشتند زنان در اطراف خیمه زراعت می‌نمودند و هزاران هنر خانگی را ایجاد می‌کردند که هر یک مبنای صنایع بزرگ امروزی است. مهم‌ترین مسأله‌ای که برای زنان شاغل امروز وجود دارد، چگونگی ایفای

نقش‌های سنتی ناشی از فرهنگ، عرف، شرع و هماهنگی آنها با نقش‌هایی است که مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در دنیای امروز ایجاد می‌کند. این در حالی است که در مناسبات اجتماعی و به ویژه در فرآیند توسعه، زنان به عنوان نیمی از آمار عظیم جامعه، اهرم و بازوی توسعه هستند و عامل مهمی در پیشبرد فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شوند.

در جوامع کنونی کشورهای در حال توسعه، زنان از فرصت‌های شغلی کمتری برخوردار بوده، غالباً در بخش غیررسمی، با دستمزد کمی به کار مشغول می‌شوند و حتی در بخش اشتغال رسمی نیز دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می‌نمایند. آنان ساعات طولانی‌تری از مردان کار می‌کنند ولی نتیجه کارشان محاسبه نمی‌شود! به طور خلاصه زنان در آمارهای ملی کشورهای در حال توسعه گم شده‌اند.

افزایش بهره‌وری نیروی کار زنان از طریق آموزش‌های مهارت‌زا، تسهیل دسترسی آنها به منابع مورد نیاز (زمین، سرمایه، خدمات)، تحول عوامل فرهنگی و دگرگونی در باور زنان به توانایی‌های خود، همگی تضمینی در جهت مشارکت سازنده‌تر و توزیع عادلانه‌تر منافع توسعه خواهد بود. با قبول این دیدگاه، زنان نباید تنها گیرندگان منفعل خدمات تلقی شوند؛ بلکه آنها شرکت‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان فعال در همه ابعاد جامعه هستند.^۱

وضعیت اشتغال زنان در ایران بر اساس آمار سال‌های اخیر

در زمینه اشتغال زنان، تا قبل از سال ۱۳۳۵ هجری شمسی نمی‌توان آماری به دست آورد، اما در این سال با انجام نخستین سرشماری عمومی در کشور معلوم گردید که تنها ۹/۷ درصد از کل شاغلان کشور را زنان تشکیل می‌دهند. البته در این سال از ۱۸/۹۵۴/۰۰۰ نفر جمعیت ایران ۱۲/۷۸۴/۰۳۱ نفر آن را افراد بیش از ده سال تشکیل می‌داد که از میان آنان، تنها ۵/۹۰۷/۶۰۶ نفر شاغل بودند و در نتیجه نسبت شاغلان به کل جمعیت بیش از ده سال، تنها به ۴۶/۵ درصد بالغ می‌شد. و شاغلان زن کل کشور (سنین بین ۱۵ تا ۶۴ سال) تنها ۵/۱ درصد زنان را تشکیل می‌داد (طفرانگار ۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۱۱). در سال ۱۳۳۵ از ۵/۹۰۷/۶۰۶ نفر جمعیت شاغل ایران نیز، ۴۵۰/۷۸۷ نفر در مؤسسات دولتی و وابسته به دولت کار می‌کردند و بزرگ‌ترین رقم مستخدمان دولتی نیز برای

۱. کلیه آمار آورده شده در مورد اشتغال زنان برگرفته از مرکز آمار ایران است.

کارمندان وزارت فرهنگ بود که ۴۸/۴۰۹ نفر را تشکیل می‌دادند (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۴۳: ۴۹۴).

اما از سال ۱۳۳۵ هجری شمسی، یعنی نخستین سرشماری عمومی در ایران، تا پایان دوره پهلوی، دو سرشماری عمومی دیگر در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ انجام گرفت. بررسی نسبت شاغلان زن به کل شاغلان در این دوره زمانی، نشان نمی‌دهد که این نسبت افزایش یافته است. در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی، این نسبت از ۹/۷ درصد به ۱۳/۲۶ درصد و در سال ۱۳۵۵ به ۱۳/۷۷ درصد رسیده بود (کار ۱۳۷۹: ۱۸۶). البته در این آمارها به احتمال زیاد، محاسبه برخی فعالیت‌های زنان مانند کار زنان گیلانی در شالیزارها و... که قبلاً در آمارها چندان انعکاسی نداشت، بی‌تأثیر نبوده است و بعید به نظر می‌رسد که این نسبت‌ها انعکاس مناسبی از وضعیت اشتغال زنان در کل کشور به دست دهد؛ برای مثال در سال ۱۳۴۵، در شهر تهران که بیشتر مشاغل دستگاه بوروکراسی کشور و همچنین فعالیت‌های اقتصادی در آنجا متمرکز بود، تنها ۹ درصد زنان، فعال ارزیابی شده‌اند و ۹۱ درصد آنان فاقد شغل و فعالیت اقتصادی بوده‌اند (محسنی ۱۳۶۶: ۲۰). در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی، ۶۵ درصد زنان شاغل در صنعت، ۲۴ درصد در خدمات و ۱۱ درصد در بخش کشاورزی فعالیت می‌نموده‌اند (کار ۱۳۷۹: ۱۰۲). در بخش خدمات دولتی نیز، بیشتر آموزگاری دوره ابتدایی به زنان واگذار می‌گردید، چنان که در سال ۱۳۵۱، آموزگاران زن دوره ابتدایی ۵۳ درصد کل آموزگاران این دوره را تشکیل می‌دادند (محسنی ۱۳۶۶: ۲۰). جمع‌بندی کوتاهی از اشتغال زنان در دوره پهلوی نشان می‌دهد که در حالی که بر اساس الگوهای غربی در کشورهای صنعتی بین ۳۵ تا ۵۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه نیز ۲۰ تا ۴۰ درصد نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند (اعزازی ۱۳۷۶: ۴۵)، این نسبت در دوره پهلوی هیچ‌گاه از ۱۴ درصد بالاتر نرفت که معمولاً نیز، مشاغل رده پایین را در برمی‌گرفت. در دهه‌های نخست پس از انقلاب اسلامی، میزان اشتغال زنان تا حدودی کاهش یافت. در سال ۱۳۵۵، زنان شاغل ۱۳/۸ درصد کل شاغلان را تشکیل می‌دادند در حالی که در سال ۱۳۶۵ این میزان به ۸/۹ درصد رسید (کار ۱۳۷۹: ۱۴۱).

درباره علت این کاهش، نظرات متفاوتی مطرح شده است. برخی علت آن را تأکیدها و تبلیغات گسترده‌ای که در اوایل انقلاب بر نقش‌های غیراقتصادی زنان و وظایف اصلی آنان، یعنی مادری و همسرمداری گردید، دانسته‌اند (کار ۱۳۷۹: ۱۴۱).

مهم‌ترین دلیلی که در این باره ذکر شده است و به نظر می‌رسد در مقایسه با دلایل قبلی، تأثیر بیشتری در کاهش روند اشتغال زنان داشته باشد، تمایل زنان به داشتن تحصیلات عالی‌تر و داشتن تخصص‌های بالاتر در این سال‌هاست. به عبارت دیگر، پس از انقلاب اسلامی زنان به داشتن تخصص‌های بالاتر و تحصیلات گرایش بیشتری از خود نشان دادند و این امر باعث گردید تا زنان دیرتر به بازار کار وارد گردند که نتیجه آن به صورت کاهش آمار زنان شاغل در دهه‌های اول انقلاب منعکس گردید (سفیری ۱۳۷۷: ۱۲۶).

زنان و سهم اشتغال آنان در توسعه

نرخ مشارکت زنان و سهم اشتغال آنان در کل کشور بسیار پایین است. اختلاف زیاد نرخ مشارکت به تفکیک جنسیت با متغیرهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط است که بررسی آنها نیازمند پژوهشی مستقل است. سرمایه‌گذاری آموزشی کمتر برای ارتقای مهارت‌های زنان، نقش‌های جداگانه زنان و تمایل نداشتن مردان به پذیرش بخشی از مسئولیت کارهای منزل، نامناسب بودن محیط کار، تفاوت در سرمایه انسانی، نگرش منفی به اشتغال زنان در برخی از فعالیت‌ها و وجود قوانین و مقرراتی که هزینه استفاده از نیروی کار زنان را افزایش داده از مهم‌ترین عوامل نرخ پایین مشارکت زنان به شمار می‌روند.

گرچه در سال‌های اخیر، به دلیل افزایش سطح تحصیلات، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش بعد خانوار، کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار (مرد) و نیز ارتقای سطح زندگی، نرخ مشارکت زنان روند افزایشی کند را از ۱۴/۱ به ۱۴/۷ درصد نشان می‌دهد، فشار عرصه نیروی کار سبب افزایش نرخ بیکاری زنان از ۱۱ به ۱۷ درصد شده است، در حالی که این رقم برای مردان از ۸ به ۱۳ درصد افزایش یافته است. بدین ترتیب، عدم تعادل بازار کار افزایش یافته و اختلاف نرخ بیکاری زنان و مردان بیشتر شده است. مهم‌ترین نتایج به دست آمده از تحلیل نابرابری‌های جنسیتی در بازار کار را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- درصد بیکاری زنان جوان از مردان جوان بالاتر است که بیانگر عدم تعادل شدیدتر بازار کار زنان جوان است.

- نرخ مشارکت زنان و مردان روستایی در سال‌های اخیر تقریباً ثابت مانده، ولی نرخ مشارکت زنان و مردان شهری افزایش یافته است.

- نرخ بیکاری زنان شهری به مراتب از مردان بالاتر است و اختلاف آنها در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

- نرخ بیکاری مردان روستایی در سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته و از نرخ بیکاری زنان روستایی فاصله قابل ملاحظه‌ای گرفته است.

- نرخ بیکاری زنان جوان در مناطق شهری خیلی بیشتر از مردان است و در سال‌های اخیر اختلاف آنها بیشتر شده، در حالی که در مناطق روستایی عکس این نسبت برقرار است (صادقی و عمادزاده ۱۳۸۳: ۱۴۶-۱۴۵).

- بالاترین نرخ بیکاری زنان در مناطق شهری به استان لرستان (۵۳/۱ درصد) و پایین‌ترین آن به استان یزد (۷/۴ درصد) تعلق داشته است. بالاترین نرخ بیکاری زنان روستایی به استان لرستان (۶۴/۶ درصد) و کم‌ترین آن به استان مرکزی (۰/۸ درصد) اختصاص داشته است.
- درصد مشارکت زنان و مردان روستایی از درصد مشارکت زنان و مردان شهری بیشتر است.

عوامل و موانع مؤثر بر نابرابری‌ها در اشتغال

در خصوص اشتغال زنان باید گفت که در ایران نیز تقریباً همانند تمامی کشورهای جهان، موانعی در راه اشتغال زنان وجود دارد. عمده‌ترین موانع موجود در این زمینه عبارتند از:

۱. موانع اقتصادی: الف) رکود اقتصادی سال‌های انقلاب و جنگ؛ ب) تأکید بر ویژگی‌ها و نقش‌های غیراقتصادی زنان؛ ج) اجتناب بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در کارهای اشتغال‌زا؛ د) عدم تنوع یا کم تنوعی فرصت‌های شغلی برای زنان؛ هـ) بالا بودن هزینه‌های نیروی کار زنان برای کارفرمایان؛ و) صاحب سرمایه نبودن زنان.

۲. موانع اجتماعی: الف) بی‌سوادی و پایین بودن سطح سواد؛ ب) برخوردار نبودن زنان از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای؛ ج) تبعیض در نمود زن در بسیاری از کتب آموزشی؛ د) تبعیض و تفاوت در فرآیند اجتماعی شدن زن و مرد در جامعه؛ هـ) ازدواج زنان در سنین پایین؛ و) سنگینی وظایف خانه‌داری.

۳. موانع فرهنگی: الف) طرز تلقی و نگرش جامعه به وظایف زنان؛ ب) تأکید بر فعالیت‌های خانه‌داری و انزوای اجتماعی زنان؛ ج) وجود سنت‌ها و باورهای خاص در خانواده؛ د) وجود

فرهنگ مردسالاری؛ ها) تبعیض و طرز نگرش جامعه به زن؛ و) نامناسب بودن برخی از محیط‌های کاری به لحاظ مسائل اخلاقی.

۴- موانع سیاسی: الف) عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی؛ ب) کم بودن شانس زنان در کسب مقامات دولتی؛ ج) ساختار قدرت و نقش‌های سیاسی.

گسترده‌گی دامنه این موانع نشان می‌دهد که جز با برنامه‌ریزی منسجم و اصولی و تلاش گسترده در سطح ملی، نمی‌توان حتی در دراز مدت به بهبود وضعیت اشتغال زنان خوشبین بود. با این حال بررسی روند اشتغال زنان و قوانین ناظر بر آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که از نظر قانونی نه تنها منعی برای اشتغال زنان ایجاد نگردیده است؛ بلکه سعی شده است تا زمینه‌های لازم برای اشتغال مناسب و مفید زنان فراهم گردد (طفرانگار ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۱؛ ر.ک: محسنی ۱۳۷۹: ۱۲).

جنسیت و اشتغال زنان در اسلام

زن به مثابه موجودی انسانی که همه خصوصیات انسان بودن در وجود او جمع است، در طول تاریخ بشری همواره از جمله مهم‌ترین مسائل بوده است. در بزرگداشت الهی از انسان، زن و مرد فرقی ندارد و جز در عرصه سپردن مسئولیت‌ها آنجا که ویژگی‌های ذاتی هر کدام، تفاوتی را اقتضا کرده است، فرقی میان آن دو نیست. در عصری که اسلام ظهور کرد، تقریباً زنان تمام جوامع، از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند. با این حال، جامعه عربستان جاهلی، محل ظهور اسلام، در میان جوامع آن دوره وضعیت خاصی داشت، چنانکه آن را «معروف‌ترین نقاط عالم از نظر بدرفتاری با زنان» دانسته‌اند (صدر ۱۳۲۷: ۴۲). در واقع بر اساس نظر برخی از نویسندگان، زنان پیش از اسلام حکم متاع را داشتند و جزء دارایی و ثروت پدر یا شوهر محسوب می‌شدند و زن و دختر پس از مرگ شوهر و پدر مانند باقی ترکه، میان مردها و پسرها تقسیم می‌شدند (آموزگار ۱۳۵۵: ۱۴۷). تأملی در انواع مختلف نکاح که پیش از اسلام، در عربستان رایج بود، تا حدی موقعیت اجتماعی زنان را نشان می‌دهد. برخی از نکاح‌های رایج عبارت بودند از «نکاح استبضاع» که در آن هر گاه مردی خواستار فرزند رشیدی می‌شد، زن خود را نزد مردی نجیب می‌فرستاد تا از او باردار شود و فرزند حاصل متعلق و منسوب به مرد بود. «نکاح الضینون» که همسر پدر به پسر وی ارث می‌رسید (مسیکه بر ۱۴۱۳: ۹۹-۱۰۰). برای داشتن نگاهی واقع‌بینانه‌تر و

روشن تر به وضعیت زنان در اسلام توجه به بستر اجتماعی آن دوره ضروری است؛ البته عدم توجه به دوران پیش از اسلام، حتی در همان زمان نیز، به چشم می‌خورد (مکارم شیرازی ۱۳۷۵: ۱۳۷).

اما آنچه دیدگاه واقعی اسلام را به زن نشان می‌دهد، نحوه نگرش اسلام به زن است. در واقع نوع نگرش اسلام به زن، فارغ از مسائلی که به نوعی رنگ زمانی و مکانی به خود می‌گیرند، می‌تواند عمق توجه اسلام را به زنان نشان دهد (طفرانگار ۱۳۸۳: ۶۶-۶۳). آنچه از بررسی متون دینی به دست می‌آید، نشانگر این است که اسلام به زن و مرد، از دو بعد مختلف می‌نگرد، که می‌توان از آنها به دو بعد «انسانی» و «بشری» تعبیر نمود (خامنه‌ای ۱۳۶۸: ۴۳). در بعد انسانی، زن و مرد با یکدیگر مساوی هستند و در مقام انسان یعنی «موجود برگزیده‌ای که از سوی خداوند انتخاب و به تعبیر قرآن اصطفا شده است و مانند هر برگزیده دیگری از طرف خداوند رسالت و در پیشگاه او مسئولیت دارد» (مطهری ۱۳۵۹: ۲۸۳).

اما فارغ از این بعد انسانی، زن و مرد از پاره‌ای جهات تفاوت‌هایی دارند که این تفاوت‌ها در جایگاه اجتماعی و حقوق آنان بی‌تأثیر نخواهد بود. این تفاوت‌ها را به سه دسته کلی می‌توان تقسیم نمود:

تفاوت‌های طبیعی که در واقع تفاوت‌های زیستی و روانی هستند.

تفاوت‌های اجتماعی که محصول جامعه انسانی و رفتارها و مناسبات میان آدمیان است.

تفاوت در پاره‌ای از احکام دینی که ناشی از وحی می‌باشد (فنائی اشکوری ۱۳۷۷: ۱۴).

در حقیقت، ضرورت تقسیم کار، تقسیم مسئولیت و تنظیم کارکرد طبیعی زن و مرد و رعایت تخصص و وظایف غیرمشترک آنان، موجب چنین تفاوت‌هایی شده است (فنائی اشکوری ۱۳۷۷: ۱۴). به هر حال آنچه مسلم است، اسلام حقوق یکنواختی را برای زن و مرد در نظر نگرفته است، هر چند که این امر برای پرهیز از تشابه حقوق زنان و مردان بوده است نه مخالفت با تساوی حقوق آنان (مطهری ۱۳۵۹: ۱۱۲).

عوامل مؤثر بر نابرابری‌ها در اشتغال

۱. عوامل کلیشه‌ای، جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی

همه زنان، همسر و مادر نیستند، برخی از آنان نیز که چنین جایگاهی دارند، به افرادی دسترسی دارند که مسئولیت‌های خانگی آنها را به عهده بگیرند؛ اما اینان هم به دلیل وجود افکار کلیشه‌ای

در مورد زنان، تحت تأثیر مغایرت‌ها قرار دارند. افکار کلیشه‌ای در مورد زنان، دسترسی به کار را برای آنها محدود می‌سازد. این تصور که دختران صرفاً ازدواج خواهند کرد و به بازار کار نخواهند پیوست، اغلب سبب می‌شود که دختران از سطوح آموزشی پایین‌تری برخوردار شوند و همچنین باعث می‌شود که آموزش آنها هدفمند، و برای کسب حرفه‌ای خاص نباشد. در نتیجه زنان در بسیاری از کشورها، به طور متوسط کمتر از مردان، واجد شرایط کار هستند و از این رو فرصت‌های شغلی آنها محدودتر است. همچنین این تمایل وجود دارد که زنان در صنایع خاصی که متقاضی نیروی کار زن هستند، متمرکز شوند. این تقاضا مبنی بر این فرضیه است که زنان در کارهای تکراری و جزئی‌تر، مهارت بیشتری دارند و قابل کنترل هستند. قبول چنین کاری از طرف زنان نیز احتمالاً به دلیل نبودن گزینه‌های دیگر برای آنهاست.

افکار کلیشه‌ای اغلب سبب می‌شود که زنان نسبت به مردان پاداش کمتری از کار دریافت کنند. ساختار دستمزدها که نرخ‌های پرداخت کمتری را برای زنان در نظر می‌گیرد، با این قضاوت ارزشی همراه است که زنان ناآوران اصلی نمی‌باشند و بسیاری از زنان، صرفاً منابع حمایتی برای خانواده خود محسوب می‌شوند. همچنین، بسیاری از کارفرمایان اعتقاد دارند که غیبت زنان از محیط کار، به دلیل مسئولیت آنان در خانواده، بیش از مردان است. اگرچه بیشتر مطالعات تجربی در این باره، اختلاف معنی‌داری را میان غیبت مردان و زنان نشان نمی‌دهد.

زنان، اغلب در برنامه‌های آموزشی یا ارتقای شغلی، نادیده گرفته می‌شوند، با این فرض که برنامه‌ها با وظایف خانوادگی آنان مغایرت دارد. بدون آنکه در این پیش‌فرض، موقعیت واقعی زن به عنوان یک فرد در نظر گرفته شود. برخی از کارفرمایان از استخدام زنان متأهل امتناع می‌ورزند؛ زیرا آنان هزینه‌های بالقوه ترک کار در دوران بارداری را مدنظر قرار می‌دهند (نوروزی ۱۳۸۰: ۳۶-۳۸).

۲. چگونگی فضای فرهنگی حاکم بر اشتغال زنان

تجربیات چند دهه گذشته در کشورهای کمتر توسعه یافته، ثابت کرده است که در فرآیند توسعه، آمادگی فضای فرهنگی نه تنها برای پذیرش تغییرات درون‌زا بلکه در همه بخش‌های اجتماعی و اقتصادی اهمیت خاص دارد. شاید در برخی از تغییرات بسیار سطحی و کوتاه‌مدت، بتوان از عوامل فرهنگی چشم‌پوشی نمود، ولی در چشم‌انداز بلندمدت، تحولات ریشه‌ای و همه‌جانبه در

پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان و در فضای فرهنگی حاکم بر اشتغال زنان، نقشی بسیار اساسی و زیربنایی دارد.

بررسی‌های انجام شده در مورد کتاب‌های درسی دوران ابتدایی با روش تحلیل محتوا، نشان می‌دهد که بسیاری از اسامی این کتاب‌ها (چه قبل و چه بعد از انقلاب)، مردانه است و هر چه از آموزش کلاس اول ابتدایی به پنجم می‌رویم، از سهم اساسی زنان کاسته و بر سهم مردان افزوده می‌شود.

در مورد فعالیت‌های معرفی شده نیز اغلب این فعالیت‌ها مربوط به مردان بوده و زنان عمدتاً در حال انجام کارهای منزل هستند.

نظرسنجی‌های مرکز سنجش برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۴ از مردم تهران در خصوص اشتغال زنان نشان می‌دهد که مفاهیم توزیع شده در دوران کودکی و کتاب‌های درسی، کاملاً نهادی شده و پاسخگویان در میان الگوی انتظارات در جامعه مهم‌ترین وظیفه زن را خانه‌داری دانسته و معتقد بوده‌اند که زنان به دلیل ویژگی‌های خاص و مشکلاتی که دارند، مثلاً برای منصب وزارت مناسب نیستند که در این بین، مردان بیش از زنان مخالف با وزیر شدن زنان هستند.

لذا بر حسب این تفکر و انتظار از زن، زنان به سوی مشاغل گرایش پیدا می‌کنند که به افق انتظار از آنها، خدشه‌ای وارد نکند. شغلی که علاوه بر کسب درآمد برای خانواده، این امکان را فراهم آورد که بتوانند انتظارات جامعه از آنان را به عنوان یک «زن خانه‌دار خوب» برآورده نماید (موحدی ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸).

قوانین اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان

در قوانین موضوعی جمهوری اسلامی ایران نیز به مسأله اشتغال زنان اشاره شده است؛ به نحوی که ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی ایران به زوج حق داده، از اشتغال زوجه در شرایطی جلوگیری کند و لذا از مفهوم این ماده بر می‌آید که قانونگذار حق اشتغال را برای زن (زوجه) قایل شده است.

فارغ از قوانین مذکور، در قوانین دیگری نیز حق اشتغال و حقوق زنان شاغل مورد اشاره قرار گرفته است که از جمله این قوانین می‌توان به قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان مصوب ۱۳۶۲، ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶، ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ اشاره کرد. اما در این بین قانون کار جمهوری اسلامی ایران صراحتاً به حقوق زنان کارگر اشاره کرده است؛ به گونه‌ای که در مواد ۷۵ تا ۷۸ ضمن اشاره به اشتغال زنان، درباره ممنوعیت به کارگیری زنان در مشاغل سخت و زیان‌آور، مرخصی دوران بارداری و زایمان مقرراتی ذکر کرده است.

طبق اصل ۲۱ قانون اساسی، «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را ایجاد کند و حقوق زن در جهات مختلف را دارای اعتبار بداند. در حقیقت قانون اساسی در این اصل، حقوق زنان را عام دانسته که یکی از مصادیق آن حق اشتغال است. طبق قانون، شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که مخالف مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.

البته ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که شوهر نمی‌تواند خودسرانه مانع اشتغال زن شود و باید به دادگاه مراجعه و تقاضای منع اشتغال زوجه به دلیل مخالفت شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود را مطرح کند و این موضوع را در دادگاه به اثبات برساند.

به استناد ماده ۱۱۰۶ ق.م. «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است» همچنین به حکم سایر قوانین، نفقه فرزندان نیز تکلیف پدر است (کار ۱۳۷۹: ۲۰۰-۱۹۳). به نظر می‌رسد مفاد این ماده قانونی، انگیزه‌های اشتغال را در زنان شوهردار ایرانی کاهش می‌دهد، اما افزایش نرخ تورم در سال‌های بعد از انقلاب چنان بوده و هست که به ندرت یک نان‌آور می‌تواند چرخ‌های معیشت یک خانواده را بچرخاند و هزینه‌های سرسام‌آور مسکن، لباس، غذا، خدمات و... را تأمین نماید. لذا در ایران امروز، تورم اقتصادی، از لحاظ اشتغال زنان تبدیل به یک عامل مثبت و سازنده شده است. پدران و شوهران زیر بار گرانی روزافزون به اشتغال دختران و زنان خود رغبت نشان می‌دهند تا بلکه به کمک درآمد دختر یا همسر هزینه‌های ضروری خانواده بهتر تأمین شود. به سخن دیگر، نیاز خانواده به دو بازوی نان‌آور چنان جدی و حیاتی شده است که سنت‌های ضد اشتغال زنان زیر سلطه روزافزون احتیاجات فزاینده خانواده به «پول» بی‌رمق شده و جای خود را به ضرورت اشتغال زنان سپرده است. مردان شهرنشین زیر فشار تورم اقتصادی قادر نیستند با وجود حکم صریح ماده ۱۱۰۶ ق.م. و سایر قوانین مرتبط با آن به تنهایی تأمین‌کننده هزینه زن و فرزندان خود باشند. تقریباً

در بیشتر خانواده‌های متوسط شهرنشین ایران امروز یک نان‌آور به هیچ وجه نمی‌تواند چند مصرف‌کننده را تغذیه کند.

زمینه‌های مساعد برای کار زنان در قانون اساسی

دیباچه قانون اساسی با نگرشی به قداست خانواده و توجه ویژه به زنان، اضافه می‌کند که زن «ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری، در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ، و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود» اصل بیست و یکم قانون اساسی، در بیان تکلیف دولت در تضمین حقوق زن در تمام جهات، با رعایت موازین اسلامی احکام ویژه‌ای را در ارتباط با زن به شرح زیر صادر نموده است: ۱. «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او»؛ ۲. «حمایت مادران بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان...» (کار ۱۳۷۹: ۱۹۳-۲۰۰). همچنین در اصل بیستم همه افراد ملت اعم از زن و مرد را یکسان زیر چتر حمایت قانون قرار داده تا از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با موازین اسلامی برخوردار باشند.

در این رابطه نظر امام راحل قابل توجه می‌باشد:

از امام در این مورد چنین سؤالی پرسیده می‌شود: «با توجه به اینکه وظیفه و مسئولیت زن در جامعه و نظام اسلامی، تربیت فرزند و اداره خانواده است آیا در حال حاضر با توجه به نیازهای جامعه ضروری است - کنار آن وظیفه - در مراکز فرهنگی و درمانی مشغول خدمت شود؟» ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «شرکت زن در خدمات فرهنگی و اجتماعی و رفتن به دانشگاه، با مراعات کامل حجاب شرعی، مانعی ندارد، ولی خروج زن شوهر دار از منزل منوط به اجازه شوهر است (امام خمینی بی‌تا ج ۳: ۳۱۵ س ۱۴).

همچنین ایشان می‌فرماید: «کار کردن زن بیرون از منزل، اگر منافعی با حقوق زناشویی شوهر نباشد، با حفظ حجاب اشکال ندارد، ولی خروج زن از منزل برای غیر واجبات منوط به اجازه شوهر است و در موردی که معالجه بیمار در بیرون بر پزشک زن واجب شود شوهر حق ممانعت ندارد» (امام خمینی بی‌تا ج ۳: ۳۴۸).

از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که دین اسلام به جایگاه و نقش و اثر زن در اجتماع بی‌توجه نبوده و راهکارهای علمی و عملی مفیدی برای این مسئله اندیشیده است. در جایی دیگر امام می‌فرماید: «از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا که هر دو انسانند». بر پایه دیدگاه یکسان‌نگری زن و مرد است که می‌فرماید: «در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد. علم مال همه است» (مرتضوی ۱۳۷۸: ۴۰) و در وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش می‌فرماید: «ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و هم‌دوش مردان یا بهتر از آنان، در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند» (امام خمینی ۱۳۶۸: ۴؛ ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۹۷).

یافته‌های پژوهش

حاصل پژوهش اینکه زنان به عنوان عضو مؤثری از جامعه، می‌توانند نقش پیشگام خود را در مسئولیت‌های مختلف جهت توسعه جامعه تبلور سازند. از جمله این مسئولیت‌ها ترویج مفهوم مشارکت و اشتغال در زندگی و زمینه‌سازی مناسب برای فعالیت آزادانه و شناساندن حق مدیریت اقتصادی، مالکیت و... است. که این همه نیازمند آن است که هزینه‌ها و آموزش‌های لازم برای زنان در نظر گرفته شود. با توجه به این نکته که مفهوم مشارکت زنان جهت توسعه جامعه، الزاماً اشتغال زنان نیست، گرچه قطعاً بخشی از آن در اشتغال تبلور می‌یابد، بلکه اداره امور خانه و خانواده و نقش و مسئولیت‌های متعددی است که زنان غالباً به عهده دارند.

نتیجه دیگر آنکه زنان و مردان در نزد خداوند مساوی هستند و از متون اسلامی به دست می‌آید که زنان در بعد انسانی با مردان مساوی هستند و در مقام انسان (خلیفه الله) مانند هر برگزیده دیگر از طرف خداوند رسالت و مسئولیت دارند و هیچ امتیاز خاصی بر یکدیگر ندارند جز در تقوی. در عصری که اسلام ظهور کرد، تقریباً زنان در تمام جوامع از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و از ابتدایی‌ترین حقوق نیز محروم بودند، با تأملی در نوع زندگی، نکاح و... در پیش از اسلام تا حدود زیادی موفقیت اجتماعی زنان در دوره اسلامی روشن می‌شود. اما نابرابری در تاریخ همچنان ادامه دارد لیکن با روش‌های متفاوت و مدرن‌تری. چنان که امروزه نرخ مشارکت زنان در جهان به نسبت مردان خیلی پایین‌تر است و این امر با متغیرهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط است که از این عوامل می‌توان به عنوان عمده‌ترین موانع اشتغال زنان نام برد.

در پایان می توان نتیجه گرفت:

۱. اشتغال زنان به کارهای غیر خانگی از بار تکفل می کاهد و هر چه بار تکفل کمتر باشد، درآمد سرانه بیشتر می شود و یکی از شاخص های توسعه، میزان بار تکفل است.
۲. افزایش اشتغال زنان، کاهش باروری و در نتیجه کاهش رشد جمعیت را به همراه دارد و درآمد سرانه را بالا می برد که موجب رشد و توسعه می شود. (البته این موضوع در شرایطی پیامد منفی به دنبال دارد که شرح آن خود پژوهشی دیگر می طلبد).
۳. با افزایش مشارکت زنان در اشتغال، دسترسی مادران به فرصت های آموزشی بیشتر شده و موجب تقویت حس استقلال و تأثیر آن در افزایش تصمیم گیری های زن در خانواده می شود.
۴. در سطح روستاها هر چه آموزش بیشتر باشد و تجربه شغلی افزایش یابد و زنان همراه با مردان در استفاده از تکنولوژی های جدید مربوط به کشاورزی و صنایع دستی، آموزش های لازم را ببینند، باعث رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه کشور خواهند شد.
۵. در سطح شهرها هر چه زنان، تحصیلات عالی و تخصص داشته باشند بدون شک هم در تربیت فرزندان هم در اداره امور خانواده موفق تر خواهند بود و هم، شرایط بهتری در اقتصاد جامعه ایجاد خواهد شد.

منابع

- آموزگار، حبیب الله. (۱۳۵۵) *مقام زن در آفرینش*، تهران: اقبال.
- آکسفورد، فرهنگ آکسفورد المنتری با زیر نویس فارسی سر واژه ها. (۱۳۹۱) با ترجمه سیف غفاری و امیر عباسی، کتاب مرو.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶) *جامعه شناسی خانواده*، تهران: انتشارات روشنگران و زنان.

- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۶۸) *وصیت‌نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
- _____ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام* (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ چهارم.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (بی‌تا) *استفتانات*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- تانگ، رزمی. (۱۳۸۷) *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- خامنه‌ای، سید محمد. (۱۳۶۸) *مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر*، تهران: نشر تک.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*، تهران: مؤسسه فرهنگی تبیان.
- صادقی، مسعود و مصطفی‌عمارزاده. (بهار ۱۳۸۳) «تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان»، تهران: *نشریه پژوهش زنان*، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۲.
- صادقین علی و بابک جهانشاهی. (۱۳۸۶) «توسعه یعنی افزایش توانمندی‌های، *روزنامه ایران*، شماره ۳۸۱۲ به تاریخ ۱۳۸۶/۹/۲۴» صفحه ۸ اقتصاد.
- صدر، حسن. (۱۳۲۷) *حقوق زن در اسلام و اروپا*، تهران: بنیان علوم اسلامی.
- طغرانگار، حسن. (۱۳۸۳) *حقوق سیاسی - اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فنایی اشکوری، محمد. (۱۳۷۷) *زن در اندیشه اسلامی*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۹) *زنان در بازار کار ایران*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۶۶) *جامعه‌شناسی شهر تهران*، تهران: انتشارات باستان.
- _____ . (۱۳۷۹) *مقدمه‌ات جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات دیبا، چاپ هفتم.
- مرتضوی، سید ضیاء. (۱۳۷۸) *امام خمینی و الگوهای دین‌شناختی در مسائل زنان*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن و طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور از ۱۳۳۵-۱۳۸۳.
- مسکيه بر، فنتت. (۱۴۱۳ق) *حقوق المرأة بین الشرع الاسلامی و الشرع العالمیة لحقوق الانسان*، بیروت: مؤسسه المعارف.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹) *حقوق زن در اسلام*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۵) *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکتون، ثریا. (فروردین ۱۳۸۱) *مجله شمیم یاس*، پیش شماره ۹، عنوان وضعیت اشتغال زنان.
- موحدی، بهناز. (۱۳۸۰) *زنان توسعه و تعدد نقش‌ها*، تهران: مرکز امور مشارکت زنان.

- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. (۱۳۴۳) سخنرانی‌ها و گزارش‌های نخستین وضعیت اشتغال زنان سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نوروزی، لادن. (۱۳۸۰) تاثیر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار زنان، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، چاپ اول.

Archive of SID